

هو المشرق من أفق ملكوت البرهان حمد مقدّس از ذکر

حضرت بهاء الله

نسخه اصل فارسی



من آثار حضرة بهاء الله - لثالث الحكمة، المجلد 2، لوح رقم (85)، الصفحة 171 - 174

هو المشرق من افق ملكوت البرهان

حمد مقدّس از ذکر و بیان ساحت امنع اقدس حضرت محبوبی را لایق و سزااست که بجنود وحی عالم معانی و بیانرا مسخر نمود و بصفوف الهام مطالع اوهامرا در سقر مقرر فرمود امام سطوت ملوک بکلمه مبارکه قد اتی المالك ناطق و فوق رؤس علمای ایران بقدا اتی الرحمن متکلم اعراض احزاب او را از اظهار اسرار منع نمود و ظلم مشرکین او را از ذکر نبأ عظیم باز نداشت جلّت عظمته و جلّت قدرته لا اله غیره یا ایها الشارب رحیق المختوم اسمع نداء المظلوم الذی ارتفع من شطر السجن فی حصن عکاء قد اتی المالك و الملك لله مولی الوری و ربّ العرش و الثری نامه دیگر شما بتوسط جناب حیدر قبل علی علیه بهائی و عنایتی بساحت اقدس فائز لله الحمد در جمیع احوال بغنی متعال ناظرید و بر خدمت قائم و بنناء ناطق نسل الله ان یویدک و یحفظک و یظهر منک ما یقرّب العباد الی الله مالک یوم المعاد از حق میطلبیم ترا تأیید فرماید و موید نماید تا بعضد ایقان اوهامرا بشکنی لعمر الله انّ المظلوم فی حزن مبین چه که مشاهده میشود فاسقی چند که در عصمت نقطه اولی روح ما سواه فداه خیانت نموده اند حال پیشوای خلقند یا ایها الناظر الی الافق الاعلی هنگام نوحه و ندبه است بگو ایقوم بشنوید وصیت حق جلّ جلاله را و بقلب طاهر و بصر پاک در آثار الله نظر نمائید آنها تهدیکم الی صراطه المستقیم و نباء العظیم انّ الاسماء لا تنفعکم و ما ینفعکم انه نزل من ملکوت بیان الله ربّ العالمین بگو بافق اعلی توجه نمائید و از دوش فارغ و آزاد شوید نظر را بلند کنید افق امر امام وجوه مشهود بگو ایقوم بحر بنفسه موج است و آفتاب حقیقت بذاته مشرق و لائح بعدل و انصاف تکلم نمائید آیا راضی میشوید بمثابه حزب قبل باوهم مبتلا گردید هزار و دوست سنه و ازید باسما تشبث نمودند و از توحید الهی غافل و بعد از عجز و ابتهال در لیلی و ایام چون نور ظهور از افق اراده حق جلّ جلاله اشراق نمود علما سبّش کردند و بفتوای آن نفوس غافله آنجوهر احدیه را شهید نمودند ذکر و ثنای آنجناب و مواعظ و نصایحش لوجه الله بوده و هست و البته تأثیر خواهد نمود کلمه که لامر الله لسان بان تکلم مینماید آن بمثابه نیر اعظم است . اگر حال فی الجملة سحاب و غمام حایل شود عنقریب از خلف سحاب بر آید و تجلیاتش علما نور سازد نسل الله ان یحفظک و یویدک و یصلح امورک و ینزل علیک من سماء الفضل ما یجعلک غنیاً بغناؤه و منادیا باسمه و ناظر االی افقه و سامعا ندائه الاحلی فی الصّباح و المساء انه هو المقتدر علی ما یشاء و الفرد المهیمن علی ما کان و ما یکون یا حسین علیک بهائی ذکر در نامه بوده نفوسیکه الیوم از نار بغضا مشتعلند و از نور امر بعید از اصل امر آگاه نبوده و نیستند تابع نفسند و مطیع هوی یتکلمون باهوائهم و لا یشعرون نسل الله ان یبعث



ORIGINAL

هناك من يأخذ الكتاب بقوة من عنده و قدرة من لدنه و ينصر اوليائه بسطان لا تمنعه الجنود و لا تضعفه الصفوف انه على كل شيء قدير و بالاجابة جدير مقبلين لله الحمد در هر مقام و هر محل كه موجودند بأم الكتاب متمسكند و بذيل رحمت الهى متشبث نشهد انهم من المقربين عند الله مالک هذا اليوم البديع البهاء المشرق من افق سماء عنايتى على من قام على خدمتى و نطق بثنائى و عليك و على سبى بالحسين فى هذا المقام الرفيع .